ضمایر [من]

خودم پیشنهاد دادم

رامین صدیقی داستان حضورش در فیلم جهان با من برقص را تعریف کرد

رامین صدیقی شاید هنوز به چهره بدل نشده باشد اما سابقه بلندبالایی دارد؛ اگر از این ماجرا که پدرش فریدون صدیقی و پدربزرگش ابوالحسن‌خان صدیقی هر دو از مشاهیر مجسمه‌سازی کشورمان بوده‌اند، بگذریم و به خودش توجه کنیم، به فهرستی بلند از فعالیت‌های موسیقایی می‌رسیم و البته اندکی هم تجربه بازیگری.

رامین صدیقی مدیر نشر هرمس و تهیه‌کننده سابقه‌دار موسیقی که البته در فیلم «جهان با من برقص» سروش صحت هم بازی کرده، در گفت‌وگو با مهر از برگزاری چهارمین جشنواره بداهه‌نوازی و تولید آلبوم پیمان یزدانیان و کوارتت کاسته خبر داد و بعد داستان بازیگر شدنش را تعریف کرد: من قبل از حضور در فیلم «جهان با من برقص» تجربه بازی در یک فیلم کوتاه و یک فیلم بلند را هم داشته‌ام. بنابراین در عرصه بازیگری تجربه اولم محسوب نمی‌شود. جالب اینجاست که پیشنهاد بازی در فیلم سروش را خودم مطرح کردم. ماجرا هم از اینجا آغاز شد که چون همسرم طراح لباس این فیلم بود، بنابراین من به طور اتفاقی و قبل از شروع فیلمبرداری فیلمنامه را خوانده بودم و علاوه بر ویژگی‌ها و امتیازاتی که داشت، مجذوب نقشی شدم که بعدها برایم در نظر گرفته شد. حتی یک بار هم به سروش صحت زنگ زدم و گفتم: «این شخصیت را بسیار دوست دارم و اگر روزی دیدی که با بازیگران دیگری که برای این شخصیت‌ها در نظر گرفتی، به توافق نرسیدی، روی من حساب کن.»



این ماجرا به طور کامل هم از سوی من و هم از سوی سروش فراموش شد تا این‌که من متوجه شدم عوامل فیلم با بازیگرانی که برای ایفای این شخصیت درنظر گرفته بودند به توافق نرسیدند. درست دو روز مانده به شروع فیلمبرداری بود که سروش صحت به من زنگ زد و گفت: «هنوز سر پیشنهادی که دادی هستی؟» و من هم به او پاسخ مثبت دادم.

سروش صحت و علی مصفا از دوستان نزدیک من هستند که از دوران نوجوانی و جوانی با آنها دوستی دارم و خوشحالم که شرایطی پیش آمد تا تجربه خوبی را از سر بگذرانم.

«حکایت دریا» با علی نصیریان

این روزها در اکران آنلاین فیلم‌های سینمایی «حکایت دریا» هم اکران شده است. فیلمی از بهمن فرمان‌آرا که در آن علی نصیریان، داریوش اسدزاده، فاطمه معتمدآریا، لیلا حاتمی، علی مصفا، رویا نونهالی، پانته‌آ پناهی‌ها، مریم بوبانی، صابر ابر و خود آقای فرمان‌آرا بازی کرده‌اند. این فیلم قصه آدم‌هایی را روایت می‌کند، که پس از مدتی دور بودن، دوباره به هم نزدیک می‌شوند. اما آیا این نزدیکی می‌تواند دوری گذشته را جبران کند؟!

خندیدنِ آنلاین



محفل «در حلقه رندان» حوزه هنری برای حفظ سلامت مخاطبان در یکصد و شصت و دومین نوبت خود برگزار می‌شود. این نوبت از محفل ادبی در حلقه رندان، به دلیل شرایط اجتماعی ناشی از شیوع کرونا در آپارات سپهر سوره هنر و اپلیکیشن حوزه هنری قرار می‌گیرد، زمان پخش آن یکشنبه ۲۵ خرداد ساعت ۱۸ است. می‌توانید با تماشای این برنامه به صورت آنلاین توی خانه بنشینید، اما حسابی بخندید و روحیه‌تان عوض شود.



پولشویی روی پرده

شوخی –جدی‌های بحث پولشویی و سرمایه مشکوک در سینما و شبکه نمایش خانگی در گفت‌وگو با ۲ سینماگر و یک کارشناس اقتصاد



علی رستگار

سینما

این چند وقت اخیر که سینمای ایران متاثر از شیوع کرونا بود و به جز توقف اکران و تعطیلی سالن‌های سینما، با تشخیص و دستور ستاد ملی مقابله با کرونا، هیچ پروژه فیلمسازی هم اجازه فعالیت نداشت، چنین فضایی باعث شده بود، بعضی از مباحث شایع و تقریبا همیشگی سینمای ایران از جمله پولشویی و ورود سرمایه‌های مشکوک به سینما و به جریان تولید هم به دست فراموشی سپرده شود. اساسا تولیدی وجود نداشت که اصلا سرمایه مشکوکی بخواهد تزریق شود و پولشویی اتفاق بیفتد. با این حال اظهارنظر تازه منوچهر شاهسواری، مدیرعامل خانه سینما درباره پولشویی در کنار ارجاع اخیر رسانه‌ای به صحبت‌های قدیمی همایون اسعدیان، رئیس هیات مدیره خانه سینما که مربوط به اواخر فروردین امسال می‌شود و پولشویی در سینمای ایران را شوخی دانسته بود، بار دیگر آتش زیر خاکستر را روشن و موضوع و مساله پولشویی را مطرح کرد. نکته دیگر این که ظاهرا با عادی‌سازی کرونا و ازسرگرفتن فعالیت‌های شغلی مختلف از جمله شروع به‌کار برخی پروژه‌های فیلمسازی، باز هم می‌توان روی بحث سرمایه‌های جدی و دغدغه‌مندی نسبت به این معضل ندارند و حتی معتقدند خبری از پولشویی در سینمای ایران نیست و اساسا در سینمایی که نهایت گردش مالی آن در سال به ۳۰۰ میلیارد تومان هم نمی‌رسد، امکانی برای شکل‌گیری پولشویی وجود ندارد.

حالا این پولشویی، واژه منحوسی که اقتصادهای بیمار را نشانه می‌گیرد و فضایی برای جولان دادن خود پیدا می‌کند، اصلا چیست؟ چگونه رخ می‌دهد و چه شرایطی را پیش می‌آورد؟ چگونه پا به سینما می‌گذارد و تلاش می‌کند به اسکناس‌های نامشروع، مشروعیت بدهد؟ اینها سوالاتی است که شاید بیش از هر چیزی برای ما مطرح باشد، آن هم وقتی این‌همه حرف از پولشویی در سینما مطرح شده و یکی این پدیده را رد می‌کند و دیگری تایید. حالا درست در روزی که دادگاه سید محمد امامی (متهم به پولشویی در شبکه نمایش خانگی برای ساخت سریال شهرزاد) برگزار می‌شود، رفته‌ایم سراغ این پدیده تا ببینیم چگونه و در چه شرایطی رخ می‌دهد.

تقریبا در همه اقتصادهای ضعیف جهان که در آن سینما به عنوان کسب‌وکار تأثیرگذار شناخته نمی‌شود و همواره نیازمند حمایت دولت یا سرمایه‌گذاری‌های خصوصی مقطعی است، ظرفیت ورود پول کثیف به عنوان سرمایه در بخش فیلمسازی بالاست. گاهی در برخی از این کشورها با افزایش رشد نقدینگی و به‌تبع آن افزایش تورم و کمبود منابع مالی دولت، سینما شدیدا دچار چالش سرمایه‌گذاری شده و سرمایه‌گذاری در سینما به عنوان یکی از راهکارهای پولشویی در میان صاحبان پول‌های کثیف مطرح می‌شود.

در ایران هم هر چند در دوره پهلوی توسط اشرف، خواهر شاه انجام می‌شده، اما بعد از انقلاب تا اواسط دهه ۸۰ از آن خبری نبوده است، حالا که هم پیدایش شده، از مسؤولان خانه سینما و برخی دیگر اظهارات عجیبی می‌شنویم که رقم‌های پولشویی در سینما را ناچیز می‌دانند.

تهیه‌کنندگان سینما به طور معمول مثل صاحب هر حرفه و شغل دیگری حساب و کتاب می‌کنند و حواسشان هست سرمایه‌شان را جایی ببرند که ضرر نکنند. مثلا برای یک فیلم سه میلیارد تومان هزینه می‌کنند و می‌خواهند لااقل پنج تا شش میلیارد تومان بازگشت سرمایه داشته باشد تا بتوانند به فعالیت خود در سینما ادامه دهند.

حالا فکرش را بکنید ناگهان در باز شود و یک تهیه‌کننده یا سرمایه‌گذار تازه وارد شود. دستمزدهای عوامل فیلم را حتی در مواردی تا ده برابر افزایش دهد و برای فیلمی که نهایتا ۱۵ میلیارد تومان می‌فروشد، ۳۰ میلیارد تومان هزینه کند! اصلا با کدام عقلی جور درمی‌آید این حساب و کتاب؟ معلوم است که هیچ جوره قضیه عادی نیست و یک جای کار می‌لنگد.

بسیارند افرادی که سرمایه خود را مشروع کسب نکرده‌اند، مانند برخی چهره‌هایی که وارد سینما شدند و بعدا معلوم شد پول‌های کثیف خود را که نتیجه اختلاس بوده، وارد سینما کرده‌اند، چون از این طریق هم می‌توانند وجهه‌ای فرهنگی کسب کنند و هم از مالیات دادن فرار کنند. در این شرایط فرد مورد نظر از ورود به سینما هدف کسب درآمد ندارد، او به قول معروف پول خردهایش را جمع کرده و به سینما آورده، سرمایه اصلی‌اش چنان نجومی است که از دست رفتن چند ده میلیارد پول در برابر وجهه‌ای که می‌تواند از فعالیت سینمایی کسب کند، اهمیت کمتری دارد. درواقع این پول‌های کثیف موازنه و تعادل سینما را به‌هم می‌زند، برای خود مشروعیت کسب می‌کنند، مانند انگل می‌افتند به جان سینما و از آن ارتزاق می‌کنند و سرمایه نامشروع اولیه خود را هم پشت عنوان حضور در عرصه هنر پنهان می‌کنند.

از دید کارشناسان و فعالان حوزه سینما یکی از راهکارهای مقابله با پولشویی در سینما، اعمال رفتار نظارتی بر سرمایه‌های سینماست. آنها بر این باورند که در ایران با وجود گذشت نزدیک به یک قرن از ورود سینما هنوز سازوکار مناسبی برای نظارت بر سرمایه وجود ندارد و همین امر باعث شده تا بسیاری بتوانند از این خلأ جهت پولشویی استفاده کنند.

واقعیتی به‌نام پولشویی



سیدامیر سیدزاده، تهیه‌کننده سینما درباره صحبت‌های اخیر برخی مدیران خانه سینما راجع به این‌که پولشویی در سینمای ایران جایی ندارد، به جام‌جم گفت: برای ورود به این بحث ابتدا باید ببینیم چه پولی وارد سینما شده و سینما را شامل چه می‌دانیم و منظور فقط خود سینماست یا نه، شامل شبکه نمایش خانگی و سریال پخش آنلاین هم می‌شود؟ اگر با مجموع اینها درنظربگیریم، پولشویی وجود دارد و پول و سرمایه مشکوک وارد سینما می‌شود. اخیرا سریالی برای شبکه نمایش خانگی تولید شده که می‌گویند حدود ۷۰ میلیارد تومان هزینه‌اش شده‌است. می‌خواهم بدانم این رقم چه توجیه فرهنگی، هنری، دراماتیک، داستانی و البته اقتصادی دارد؟ این اثر در کدام سامانه آنلاین و پخش می‌تواند بازگشت سرمایه داشته باشد؟ مگر ما نمی‌گوییم در سینمای ایران، یک‌سوم پول هزینه‌شده برمی‌گردد؟ یعنی اگر شما ۷۰ میلیارد تومان برای فیلم یا سریالی هزینه می‌کنید، باید ۲۱۰ میلیارد تومان بفروشد تا ۷۰ میلیارد تومان شما برگردد. درحالی‌که ترنور (گردش مالی) کل سینمای ایران در طول سال به ۳۰۰ میلیارد تومان هم نمی‌رسد. پس چطور توقع دارید از یک محصول، ۲۱۰ میلیارد تومان برداشت داشته‌باشید؟ بنابراین ورود پول‌های مشکوک به سینمای ایران به اسم پولشویی واقعیت دارد. شروع آن هم از پروژه آقای امامی (سریال شهرزاد) بود. البته مدتی است به دلیل این‌که سرمایه‌های مشکوک آقای امامی در سینما عیان شد، بین آن وقفه انداختند که مثلا آقایان لو نروند و گرفتار تبعاتی نشوند که آقای امامی گرفتار آن شد. اما الان شروع کردند و دوباره این پول‌های مشکوک به سینما تزریق می‌شود.

تهیه‌کننده فیلم‌های شماره ۱۷ سهیلا و تعارض ادامه داد: در این سینما فیلمی می‌سازند که همه سوپراستارها در آن بازی می‌کنند و حدود ۱۸ میلیارد تومان هم خرج آن می‌شود. این فیلم باید ۵۰ میلیارد تومان بفروشد تا پول اولیه وصول شود. بعد می‌بینید در اکران فقط شش میلیارد تومان می‌فروشد. این وسط چه اتفاقی افتاده‌است؟ آیا کسی که سرمایه‌گذار این پروژه شده، دودوتا چهارتا نکرده؟ نمی‌دانست این فیلم در گیشه جواب نمی‌دهد؟ پس حتما هدف دیگری داشته‌است. من می‌گویم او با هدف پولشویی این کار را می‌کند، ضمن این‌که حتما برای بهتر دیده‌شدن این فیلم تبلیغات دهان‌پرکنی هم کردند که ما در این بحث آن را لحاظ نمی‌کنیم. پس از اول قابل محاسبه‌است که این پول برنمی‌گردد. سیدزاده درباره این‌که آیا با گردش مالی ۳۰۰ میلیارد تومان می‌توان سینمایی را به پولشویی متهم کرد یا نه نیز توضیح داد: اگر کسی ادعا می‌کند که پولشویی در سینما شوخی است و در جاهای دیگر اتفاق می‌افتد، باید مصداق عینی بیاورد و بگوید کجا پولشویی دیگری رخ می‌دهد که سینما در مقابل آن شوخی است.

این تهیه‌کننده افزود: وضع سینما به ویژه در این روزهای کرونایی به گونه‌ای است که به هیچ عنوان توجیه سرمایه‌گذاری ندارد، چون سینما سه ماه تعطیل بود، الان هم که قرار است باز شود، با ۵۰ درصد ظرفیت بلیت فروخته می‌شود. بیماری باعث شده مردم بترسند و به سینما نروند. پس طرف با چه دل و جراتی ۲۰ میلیارد تومان برای ساخت فیلمی هزینه کند؟ من خودم هم تولید فیلمی را شروع کرده‌ام، اما بودجه‌اش کاملا منطقی است و نرخ کذایی به عوامل پرداخت نمی‌کنم.

سیدزاده درباره راه مقابله با پولشویی در سینما گفت: تنها راه این است که وزارت ارشاد در مقابل این آمار و ارقام ورود کرده و این قضیه را یک بار برای همیشه حل کند. ارشاد به عنوان متولی فرهنگ مملکت نباید اینقدر انفعال داشته باشد. چون حتما اخبار پولشویی به گوش این دوستان و سازمان سینمایی و خانه سینما می‌رسد.

آقای اسعدیان «شوخی» می‌فرمایند



محمدحسین فرحبخش، تهیه‌کننده سینما با اشاره به جمله همایون اسعدیان مبنی بر اینکه «پولشویی در سینما شوخی است» به جام‌جم گفت: آقای اسعدیان که خودش فیلمی با عنوان «شوخی» را ساخته، اینجا هم شوخی می‌فرمایند! پولشویی هر جا و در هر شغل تعریف خودش را دارد و قرار نیست همه جا با یک عدد و رقم سروکار داشته باشیم. کسی ممکن است در سینما با ۶ میلیارد تومان فیلمی بسازد، اما آن را ۶ برابر محاسبه کند. در سریال «بریکینگ بد»، شخصیت اصلی قاچاقچی بود و شیشه تولید می‌کرد و با پول آن کارواش باز کرده بود. به آقای اسعدیان توصیه می‌کنم برود این سریال را ببیند. چطور می‌شود حسین فرحبخش که ۴۰ سال در این سینماست و نشان داده هم که بلد است از نظر اقتصادی چه کند، دریافته که اینگونه فیلمسازی مقرون به صرفه نیست و مساوی با ضرر است. اولین شرط پولدارشدن این است که طرف، عقل داشته باشد.

شنیدنی

عدد اول

۱۲

کتاب‌های تازه برای کودکان و نوجوانان

کتاب‌های یک جای خوب یک خواب خوب، موش سر به هوا، قصه گرگ، سوار بر باد، یک آدم نقاشی کن، پرنده‌ها و آسمان و هرمان، از جمله آثاری است که در انتشارات کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان منتشر شده‌است. این کتاب‌های تازه برای مخاطبان ۴ تا ۱۲ سال نوشته شده. انتشارات کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان یکی از قدیمی‌ترین انتشاراتی‌هاست که در زمینه انتشار کتاب‌های کودک و نوجوان فعالیت می‌کند. / باشگاه خبرنگاران جوان

عدد دوم

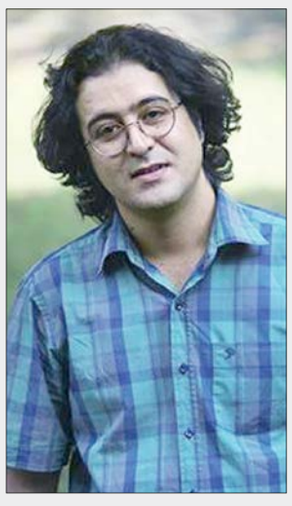
۱۸۰

شفافیت بدلکاران

مجید علیزاده، رئیس صنف بازیگران و بدلکاران سینما درباره این صنف و شفافیت اطلاعات آن گفت: ۱۸۰ نفر در صنف ما عضو هستند. البته تعداد آنها ۳۰۰ نفر بود اما ۱۰۰ نفر را حذف کردیم تا تعداد کمتر شود. شرایط عضویت در صنف بازیگران و بدلکاران سینما نسبتا سختگیرانه است، مثلا اگر بدلکار یا بازیگری قصد عضویت در آن را داشته باشد، باید شش سکانس از سه فیلم متفاوت به هیات مدیره صنف ارائه کند. / فارس

کتاب [عطف]

ناشرانی که به زور کتاب چاپ می‌کنند



این را ما نمی‌گوییم؛ علیرضا لبش نویسنده کتاب «بوطیقای شیطان» که در بخش مجموعه داستان نوزدهمین و بیستمین دوره جایزه «مهرگان ادب» شایسته تقدیر شناخته‌شده، می‌گوید که ناشران به‌زور و با اکراه کتاب چاپ می‌کنند، جایزه‌های دولتی مصلحت گروه‌شان را درنظر می‌گیرند، جایزه‌های ادبی انگشت‌شمار شده‌اند و فضای ادبیات در حال کوچک شدن است. او می‌گوید در حال حاضر در حوزه داستان در بین جایزه‌های خصوصی فقط جایزه «مهرگان» و در بین جوایز دولتی هم فقط جایزه «جلال» باقی مانده است. در شعر هم در بخش خصوصی جایزه «شعر خبرنگاران» و در بخش دولتی هم جایزه «شعر فجر»؛ یعنی آن دوره‌ای که «جایزه‌ها» بودند گذشته و به «جایزه» رسیده است. این باعث تأسف است که به هزار دلیل تعداد جایزه‌های ادبی انگشت‌شمار شده و این نشان می‌دهد فضای ادبیات در حال کوچک و کوچک‌تر شدن است. این نویسنده طنزپرداز ادامه می‌دهد: من می‌بینم ناشران‌مان هیچ علاقه‌ای به چاپ داستان کوتاه ندارند، به این دلیل که می‌گویند داستان کوتاه خواننده و مخاطب ندارد و کتاب روی دستشان می‌ماند. داوران در بیانیه جایزه «مهرگان ادب» تاکید داشتند که حرکت رمان متوقف شده و حرکت داستان کوتاه رو به جلو است و این نشان می‌دهد که داستان کوتاه ما در حال پیشرفت است، علی‌رغم این‌که هیچ مخاطبی در دسترس نیست و ناشرها به زور و حتی با اکراه کتاب چاپ می‌کنند، اما نویسنده‌ها از جان مایه می‌گذارند، خصوصا نویسندگان داستان کوتاه. / ایسنا

تجسمی (بوم و رنگ)

رکورددار ایرانی در ساتبیز



حراج ساتبیز ۳۰۳ اثر از هنر اسلامی و هندی را به حراج گذاشت. قدمت برخی از این آثار که شامل نسخ خطی، نگاره‌های تاریخی، ظروف و گلدان‌های سفالین و فلزی، جواهرات و صندوقچه‌هایی ارزشمند و ۷۰ قطعه فرش و دیگر منسوجات است، به بیش از هزار سال می‌رسد. این آثار متعلق به هند، امپراتوری عثمانی، ایران و دیگر کشورهای مسلمان قرون گذشته است. در این مجموعه هشت اثر متعلق به هنر و تاریخ ایران است از جمله نسخه نستعلیق دیوان حافظ به قیمت ۳۷۵ هزار پوند، دو مجموعه کتاب از خواجه نصیرالدین طوسی به قیمت ۱۳۷ هزار و ۵۰۰ و ۱۲۵ هزار پوند، نسخه خطی قرآن تذهیب شده قرن ۱۵ میلادی به ارزش ۸۱ هزار و ۲۵۰ پوند، دیوان هفت‌اورنگ جامی به قیمت ۶۰ هزار پوند، نسخه خطی کتاب نجوم و ریاضیات از خواجه نصیرالدین طوسی متعلق به قرن ۱۴ میلادی و قیمت ۶۲ هزار و ۵۰۰ پوند، نسخه خطی از کتاب فخر رازی به قیمت ۶۲ هزار و ۵۰۰ پوند.

همچنین گران‌ترین اثر این مجموعه صندوقچه‌ای از قرن ۱۳ در اسپانیا از استخوان و عاج با طرح هشت‌ضلعی ساخته شده بود که به مبلغ ۵۱۹ هزار دلار به فروش رسید. / تجسمی آنلاین